

# مجالس پهلوی اول راهرویی برای دیکتاتوری



فصلنامه مطالعات ژارپفی

انسانی و مطالعات فرهنگی

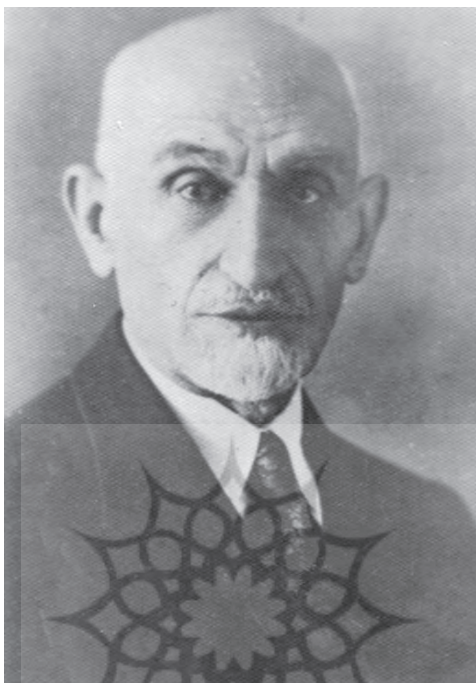
مجمع علوم انسانی

مجله فصلنامه مطالعات ژارپفی  
شماره ۱۰  
پاییزه ۱۳۹۵  
صفحه ۱۰۰-۱۱۰  
تألیف: دکتر سید علی حسینی  
موضوع: دیکتاتوری و راهرویی  
چاپخانه: چاپخانه سوره مهر  
تیراژ: ۱۰۰۰ نسخه  
قیمت: ۱۰۰۰۰ ریال

## مجالس پهلوی اول راهرویی برای دیکتاتوری

● نادر پروانه

رضاشاه، از همان ابتدای سلطنت و بلکه پیش از آن در جریان انتخابات مجلس پنجم، با دخالت در امر انتخابات، مجلس وفادار و مطیع فرامین خود پدید آورد که همچون مهر لاستیکی و ابزاری بی‌اراده به اراده شاه وجه قانونی داد. با تأسیس ارتش مدرن و با ایجاد مؤسسات مالی جدید، سلطه حکومت بر منابع عمده قدرت برقرار شد. عدم اجرای قانون اساسی با دخالت گسترده حکومت در انتخابات مجلس و دست‌چین کردن نمایندگان از بین هواداران دربار از مجلس پنجم تا مجلس سیزدهم از نشانه‌های استقرار دولت مطلقه بود.<sup>۱</sup> گرچه انتخابات مجلس پنجم پیش از رسیدن او به پادشاهی بود، اما با دخالت گسترده نظامیان در انتخابات، می‌توان مجلس پنجم را مجلسی برساخته دیکتاتوری رضاخانی دانست. عمده نمایندگان مجلس پنجم از میان هواداران و سرسپردگان رضاخان انتخاب شدند. البته چند مورد استثناء هم وجود داشت مثل آیت‌الله شهید مدرس و دو سه تن دیگر. محبوبیت مدرس به حدی بود که نمی‌شد او را کنار گذاشت. وجود بعضی از مخالفان بی‌خطر نیز برای طبیعی نمودن انتخابات و مشروعیت مجلسی که قرار است به خلع قاجاریه رأی دهد لازم بود. اما پس از آنکه رضاشاه بر تخت سلطنت استقرار یافت دیگر نیازی به این تمهیدات و ترفندها نبود. لذا رضاشاه به یحیی دولت‌آبادی گوشزد می‌کند: «نمایندگی دیگر به کار شما نمی‌خورد زیرا شما مقید هستید کارها از روی قانون جاری باشد در صورتی که تا چند دوره باید به همین



یحیی دولت‌آبادی

صورت دائر بوده باشد.» یعنی انتخاباتش به دستور دولت انجام بگیرد.<sup>۲</sup> همچنین رضاشاه در ملاقات تقی زاده با وی چنین می‌گوید: «شما دلگیر نشوید که انتخاب نشدید این مجلس دیگر موافق شأن و حیثیت شما نیست برای شما باید در خارجه پستی بدهیم.»<sup>۳</sup> مجلس هفتم آخرین مجلسی بود که هنوز جمع انگشت‌شماری از عناصر اقلیت و چهره‌های مستقلی چون فرخی یزدی و محمودرضا طلوع در آن قرار داشتند. عین السلطنه مقایسه جالبی از مجالس رضاشاهی و مجالس پیش از آن به دست می‌دهد: «آن وقت مجلس فی‌الجمله اقتداری داشت و مثل حالا نبود که یک اداره دولتی باشد و هر قانونی را میل دارند شب به آنها دستور داده، کی مخالف می‌شود، کی دفاع می‌کند، بالاخره رئیس رأی بخواند و همه قیام کنند.»<sup>۴</sup> سردار اسعد نیز این وضعیت را به خوبی تشریح می‌کند:

دولت و ملت امروز در ایران یعنی اراده شاه، به واسطه اینکه ما ایرانیان تهور نداریم، اتحاد نداریم، صداقت نداریم، وطن‌دوستی نداریم، مذهب نداریم. پس یک چنین قومی اراده ندارد. مثل سابق اگر احمدشاه می‌بود، نه ملت اراده داشت نه شاه. حال ملت به

جای خود برقرار است ولی شاه اراده دارد، جرأت دارد، این است که اراده منحصر است به شاه.<sup>۵</sup>

در این اوضاع و شرایط است که اکثریت مجلس زیر نظر تیمورتاش وزیر دربار به کانون دفاع قانونی از رژیم جدید تبدیل شد.<sup>۶</sup>

یحیی دولت‌آبادی در دیداری که با رضاشاه داشت در انتقاد از وضع حاکم بر فضای خفقان‌آمیز مجلس چنین می‌نویسد:

انتخابات دیگر آزاد نخواهد بود و هر کس را که دربار بخواهد انتخاب می‌شود در این صورت در انتخاب شدن به روی من بسته است. احزاب نیز با تضعیف مجلس، به انزوا کشیده شدند. چهار حزب سیاسی که در اواخر دهه ۱۳۰۰ش در مجلس نماینده داشتند همه اساساً طرفدار رژیم بودند؛ اما باز هم رضاشاه آنها را منحل کرد چون بیم آن داشت که مخالفانش در این حزب‌ها متشکل شوند.

در سراسر دوره هفتم تا سیزدهم هیچ‌یک از لوایح دولت از سوی مجلس رد نشد و اگر گاهی مختصر اعتراضی به هنگام طرح لوایح ابراز می‌شد، جنبه لفظی و عبارتی داشت، چه در اصل و اساس کسی حق اعتراض نداشت و این جنجال‌های لفظی نیز زمانی در می‌گرفت که اصل طرح از نظر شاه اهمیت چندانی نداشت.<sup>۷</sup>

نطق سیدیعقوب انوار در مجلس سیزدهم و پس از برکناری رضاخان توسط متفقین، گویای وضعیت و موقعیت مجلس در زمان رضاخان است. وی در ۲۵ شهریور ۱۳۲۰ تنها چند روز بعد از سقوط شاه بیان داشت:

امیدوارم تمام خرابی‌های سابق ما ترمیم شود. مثلاً من می‌گویم سؤال دارم یا استیضاح دارم از فلان وزیر، فوری آن وزیر حاضر شود. روزنامه‌های ما مثل مرغ متقار چیده در قفس آهنین نباشد. تا کی باید ملت ایران صدا نداشته باشد که بگوید آقا ظلم، خانه مرا خراب کرده است. بعد از این، بنده و جنابعالی، آقای دشتی، امیدواریم که کارها تحت نظر خود ما یعنی مجلس شورای ملی بیاید و بعد از این هم باید برای سعادت مملکت کار کنیم و وزرا هم باید بعد از این راه مجلس را گم نکنند... بنده یک روز در جایی گفتم آقا بفرمائید وزراء بیایند در مجلس، گفتند وزراء به مجلس کاری ندارند.<sup>۸</sup>

علی دشتی از مجلس هفتم به بعد خود را با شرایط جدید وفق داد. وی در نطقی در مجلس هفتم علاوه بر تأیید حکومت، ناراضی‌تی خود را از وضعیت خفقان‌آمیز مجلس چنین بیان کرد:

از آخر دوره ششم معمول شده است که در جواب مخالفین لوایح گفته می‌شود (و این منطق

غلطی است) که چون یک دولتی طرف اطمینان اکثریت مجلس است نباید در لوایحش بحث کرد اگر این طور باشد دولت لوایح را می‌آورد چه کند؟ دولت این لوایح را می‌آورد اینجا که در آنها بحث بشود به کمیسیون‌ها برود و در آنها بحث و صحبت بشود عقاید مردم را نباید ترویزه کرد ممکن است یک عده موافق با دولت باشند ولی در یک لایحه مخالف باشند.<sup>۹</sup>

### انتخابات در دوره رضاشاه

از دوره اول تا پنجم سیاست‌مداران، و افراد ملی و مورد احترام مستقل، به دلیل مشارکت مردم وارد مجلس می‌شدند. اما از دوره ششم همه چیز انتصابی شد. نقش تیمورتاش در این باره حائز اهمیت بود به طوری که سرنوشت دوره ششم تا نهم کاملاً در دست وی بود. از دوره هفتم به بعد حتی یکی از شخصیت‌های مخالف رضاشاه به مجلس راه پیدا نکرد.<sup>۱۰</sup> شکایات مردم کاشان و دامغان از دخالت مسئولان دولتی انتخابات، اعتراض به اعمال نفوذ وزارت‌خانه‌های داخله و عدلیه در انتخابات ورامین، شکایات مردم سمنان و کردستان از اعمال نفوذ متنفذین و قطع شمارش آراء نمایندگان منتخب مردم و شکایت مردم ساری و خراسان از جمله این موارد است.<sup>۱۱</sup>

۱۶۰

انتخابات مجلس پنجم در فضایی بسیار خفقان‌آمیز با دخالت ارکان‌های حرب، نظمیه و قشون تحت سیطره رضاخان، به انجام رسید. بارها تلگرافاتی رد و بدل می‌شد که درباره این بود که انتخابات چگونه برگزار شود و چه کسانی باید منتخب شوند که با این جمله خاتمه می‌یافت که: «مستدعی است نظریات بندگان حضرت اشرف - دامت عظمه - را اعلام فرمایید.»<sup>۱۲</sup> و جواب‌هایی اینچنین از سوی وزیر جنگ و فرمانده کل قشون داده می‌شد:

لازم است چون انتخابات آتیه باید موافق صلاح و خیر مملکت انجام و هرگونه دسایس جلوگیری شود، لزوماً تذکر می‌دهم که از حوزه مأموریت شما اشخاص ذیل انتخاب شود:

آقای سیدعبدالرحیم کاشانی و میرزااحمدخان شهیدی... مقتضی است که با اقدامات لازمه، اشخاص مفصله‌الاسامی از ولایات ذیل انتخاب شوند... اشخاص ذیل در انتخابات آتیه منتخب گردند... حسب‌الامر بندگان حضرت اشرف، قدغن فرمایید در انتخاب آقای سیدکاظم یزدی مساعدت کامل مرعی دارند که انجام مقصود حتمی باشد... از قرار معلوم طرز جریان انتخابات اصفهان دارد برخلاف انتظار پیش می‌رود و بالمره در تحت استیلا و نفوذ علما واقع شده است... حسب‌الامر، در صورتی که محقق‌العلماء در انتخابات فارس

موفقیت حاصل نمی‌نماید، قدغن فرمایید و سایل انتخاب مشارالیه را از قمشه اصفهان فراهم نمایند... چند روز قبل که راجع به انتخابات ناین شرفیاب شدم، بندگان حضرت اشرف فرمودید که به اداره کل ارکان حرب، امر خواهید فرمود که در حق چاکر توصیه صادر فرمایند. حالا برای یادآوری شرفیاب شده‌ام که حضوراً به آقای سرتیپ عبدالرضاخان امر صادر فرمایند...<sup>۱۳</sup>

این روند در همه انتخابات دوران رضاشاه به اجرا درآمد. اسناد انتخاباتی دوره ششم نشان‌دهنده شکایت‌هایی از یزد، کردستان، اصفهان، اردبیل، ارومیه، مرند، همدان، تربت حیدریه، دره گز، دزفول، جهرم، فیروز، کوه‌آباد، رشت، خرم‌آباد و... است که نسبت به مداخله نظامیان در انتخابات شکایت‌هایی را داشته‌اند.<sup>۱۴</sup> این مسئله از همان جلسات اول مجلس مورد اعتراض مدرس قرار گرفت و انتخاب نمایندگان را بر اساس حکومت نظامی دانست.<sup>۱۵</sup> در جریان بررسی اعتبارنامه میرزاحسن مخبر فرهمند (مخبر حضور)، نماینده همدان، مدرس به فرمایشی بودن انتخابات اشاره کرد و انتخابات را در سراسر کشور نظامی خواند.<sup>۱۶</sup>

۱۶۱ ملک‌الشعراى بهار نیز با بیان مسائلی راجع به انتخابات، امر انتخاب وکلا را در همدان و سایر نقاط به نظامی‌گری متهم نمود.<sup>۱۷</sup>

سید یعقوب انوار نماینده شیراز در مجلس ششم اظهار داشت که: «نفس انتخابات در تحت سانسور است اگر راست است و انتخابات آزاد است لااقل سانسور را بردارید که مردم مستحضر شوند آخر تا کی این مملکت باید گرفتار و در مضیقه باشد تا کی باید دژخیم سانسور روی مطبوعات افتاده باشد و نگذارد مردم داد خودشان را بزنند.»<sup>۱۸</sup> باید یادآور شد که این اعتراضات آخرین اعتراضات در نوع خود بود که در مورد اعتبارنامه نمایندگان در عصر اول پهلوی رخ داد.

وی در ادامه، دخالت قشون، نظمیه و دربار را در انتخابات به باد انتقاد می‌گیرد و چنین می‌گوید:

تا کی مملکت می‌باید در تحت اراده اشخاص اداره شود قانون باید در مملکت حکومت کند قانون را اجرا کنید و قتی مطبوعات تجاوز کردند مجازاتشان کنید چرا آنها را خفه می‌کنید کار وزارت داخله منحصر است به سانسور مطبوعات و خراب کردن انتخابات. این است که بنده به نام آزادی ملت به نام اینکه ملت آزاد را نمی‌توانید خفه کنید، نمی‌توانید حقوق و استقلالش را ببرید، نمی‌توانید سیادت و سعادت او را ببرید فریاد می‌زنم اگر ملت زنده و آزاد شد آن ملت محفوظ است.<sup>۱۹</sup>



سیدحسن مدرس در جمع نمایندگان دوره ششم مجلس شورای ملی

با وجود این سانسور شدید در نامه‌هایی که تقریباً از همه نواحی و حوزه‌های انتخاباتی از مجلس ششم تا سیزدهم به وزارت داخله و دربار فرستاده می‌شد اغلب فرد منتخب و مورد نظر دولت را فاقد صلاحیت و انتخابات را فرمایشی، خیمه‌شب‌بازی و در راستای تحکیم اصول دیکتاتوری و مانند آن ارزیابی کرده‌اند که با همت مجموعه‌ای از مسئولان شهرستان‌ها اعم از حاکم، رئیس عدلیه، مستنطق، تلگرافچی و مانند آن صورت می‌گرفت. اگر حین فعالیت مجلس، یکی از نمایندگان به هر دلیل اعم از فوت یا مغضوب شدن نمی‌توانست به رسالت خود تا پایان دوره ادامه دهد، شاه برای گزینش نماینده‌ای معتمد و وفادار به جای او، به همان اندازه حساسیت نشان می‌داد، زیرا شاه چند تن را بدون تحقیقات و صرفاً با تکیه بر توصیه بستگان به وکالت رسانید که به علت عدم صلاحیت لازم موجب ندامت وی گردید.<sup>۲۰</sup> و نیز اگر در شرایط ویژه‌ای نوعی رقابت میان کاندیدای مورد نظر دولت و کاندیدای رقیب ایجاد می‌شد،

برگزارکنندگان انتخابات به دسیسه‌های گوناگون متوسل می‌شدند که به عنوان نمونه می‌توان از توزیع تعرفه‌های انتخاباتی میان خردسالان و اشخاص متکدی و ممانعت از توزیع تعرفه‌ها در میان اشخاص واجد صلاحیت و پراکنده کردن هواداران نماینده رقیب اشاره کرد.<sup>۲۱</sup> با ادامه روند انتصابی شدن و کالت مجلس، وضعیت به گونه‌ای شد که به نوشته دولت‌آبادی:

نمایندگان مجلس هفتم به بعد بدون استثناء اول باید رضایت دربار پهلوی را تحصیل کنند... آنگاه نام آنها داخل فهرست نمایندگان در آن دوره شده، با تعیین آنکه از چه محل انتخاب شوند و آن فهرست به دست نظمیہ مرکز ولایات داده شده، آنها هم تکلیفشان معین است و همه چیز در دست خودشان و کارکنان مخصوصی است که دارند. نظمیہ‌ها در موقع انتخابات دارالتحریری تشکیل داده، هزارها اوراق مطابق فهرست دولت نویسانده، حاضر می‌گذارند و آنها را به توسط سردسته‌ها به افراد می‌دهند که در صندوق بریزند. در این صورت نتیجه قطعی است که مطابق دستور دولت انتخاب شده است و گاهی اهل محل به هیچ‌وجه نمایندگان و یا نماینده خود را نمی‌شناسند بلکه شاید اسمش را هم نمی‌دانند.<sup>۲۲</sup> درباره نحوه شناسایی و انتصاب داوطلبان نمایندگی مجلس، علی‌اصغر حکمت که از نزدیکان دربار پهلوی بود نیز می‌نویسد:

باید در هر شهرستان لیست اسامی کاندیداهای صالح که طرف اعتماد باشند در هر محل از دو مرکز مختلف محرمانه بخواهید. یکی از مأموران کشوری استاندارها و فرماندارها و دوم از مأمورین لشکری که آنها هم محرمانه فهرست دیگری بدهند و آن لیست را مطالعه نمایند. هر کس که در محل معروفیت دارد و در هر دو لیست اسم او ذکر شده البته انتخاب می‌شود.<sup>۲۳</sup> عدم حضور روحانیون در انتخابات مجلس و به خصوص دوره‌های پایانی حکومت رضاشاه نشان‌دهنده عدم مشروعیت رضاشاه می‌باشد.

حسین مکی در این باره می‌نویسد:

در سال ۱۳۱۱ که دوره نهم مجلس افتتاح می‌شود، از علما فقط امام جمعه خویی، امام جمعه تهران، سیدمحمد بهبهانی، ظهیرالاسلام، حاج‌محمدامین خویی، حاج‌شیخ‌اسحاق رشتی حضور یافته بودند. بقیه علما که دعوت شده بودند، از حضور خودداری کردند و این عدم حضور و خالی بودن جایی که در ادوار سابق مملو از علما بود، قابل توجه می‌نمود.<sup>۲۴</sup>

شکایات فراوانی از فرمایشی بودن انتخابات تا پایان حکومت رضاشاه در اکثر حوزه‌های انتخاباتی در دست است. از میان اسناد موجود می‌توان به موارد ذیل توجه نمود که: حکومت کردستان: قدغن فرماید بعد از وصول دستور تلگرافی وزارت داخله، انجمن





حسین دادگر (رئیس مجلس) در جمع نمایندگان دوره هفتم مجلس شورای ملی

نظارت انتخابات دوره یازدهم تقنینیه در حوزه سنندج از اشخاصی تشکیل دهند که با انتخاب آقایان فرج‌الله آصف، محمد وکیل و محمد حبیبی متناسب باشد... انجمن نظارت فرعی انتخابات زرتشتیان را از اشخاصی تشکیل دهند که با انتخاب آقای ارباب کیخسرو شاهرخ متناسب باشد...<sup>۲۵</sup>

انتخابات مجلس سیزدهم نیز قبل از سقوط شاه انجام گرفته بود و این مجلس نیز تفاوتی با سایر مجالس پهلوی نداشت. مکی در این باره می‌نویسد در لیست نمایندگان دوره سیزدهم نسبت به دوره دوازدهم هیچ تغییری داده نشد و شاید تقارن جریان انتخابات با وقایع شهریور باعث گشت که فرصت رسیدگی به این کار پیدا نشود.

بنابراین انتخابات به عنوان مهم‌ترین عامل مشارکت مردمی که می‌بایست بنیان حزبی داشته باشد در شرایط نابسامانی قرار گرفت و اساس و پایه آن بر روابط شخصی و اعمال نفوذهای گروهی و برخی وابستگی‌ها مبتنی گردید.<sup>۲۶</sup> از دوره هفتم به بعد مجلس از وکلای طرفدار شاه انباشته گردید. و در واقع از این زمان دوران فترت اجباری احزاب آغاز شد.<sup>۲۷</sup>

### سلب مصونیت از نمایندگان

همانطور که ذکر شد رضاخان جایگاه مجلس را تا حدیک مهر پلاستیکی برای تأیید لوایح دولت پایین آورد. با ناکام ماندن ترور مدرس، در پایان دوره ششم، مدرس توسط محمدخان درگاهی رئیس نظمیہ دستگیر و به گناباد تبعید شد. به گفته عین‌السلطنه سالور اهالی طهران، اصفهان و سایر شهرها از ترس، اعتراضی به دستگیری و تبعید مدرس نکردند و می‌نویسد تاکنون هم معلوم نیست مدرس کجاست، زنده است یا مرده. که این خود نشان‌دهنده خفقان سیاسی بعد از مجلس ششم است.<sup>۲۸</sup> و سرانجام مدرس در تبعید به شهادت رسید. رضاشاه با تبعید مصدق به ملک پدری‌اش در احمدآباد، علناً وی را از صحنه سیاست دور نگاه داشت. یحیی دولت‌آبادی و سیدحسن تقی‌زاده و تنی چند از اقلیت مجلس ششم خود را فارغ از نمایندگی مجلس یافتند. مجلس هفتم آخرین مجلسی بود که اقلیت مخالف شاه در آن وجود داشت. این اقلیت از دو نفر؛ فرخی یزدی نماینده یزد، شاعر و مدیر روزنامه طوفان و محمودرضا طلوع نماینده لاهیجان، مدیر روزنامه طلوع و از همکاران با سابقه میرزاکوچک‌خان تشکیل شده بود. حیدری نماینده ساوجبلاغ در مجلس سیلی محکمی به صورت فرخی یزدی نواخت، به طوری که خون از دماغ وی جاری شد و فریاد کشید که:

وقتی در مرکز ثقل قانون اساسی که من مصونیت دارم مورد ضرب قرار بگیرم معلوم است که در خارج چه بر سر من خواهد آمد، بنابراین من دیگر از اینجا خارج نخواهم شد و متحصن خواهم شد.<sup>۲۹</sup>



فرخی یزدی

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

وی در اواخر دوره هفتم مجلس شورای ملی به روسیه فرار کرد که بعدها با دریافت امان‌نامه‌ای به ایران بازگشت اما توسط عمال رضاشاه توقیف شد و در محبس به قتل رسید. طلوع در همین مجلس بعد از چند بار اجازه صحبت بالاخره توانست چند جمله‌ای را بیان کند که با صدای زنگ رئیس و فریاد دیگر نمایندگان به اتمام نرسید. وی در نطقش بیان کرد: بنده تعجب می‌کنم اگر ما نتوانیم در مجلس عرایض خود را بگوییم پس در کجا باید گفت. آقایان بالاخره اینجا مجلس شورای ملی است و ما مطابق قانون اساسی همان قانون اساسی که بهای خون پاک جوانان ایران است در مقابل ملت در پیشگاه ملت مسئول هستیم باید حقایق قضایا را عرض کنیم (فرخی: صحیح است) بنده چند روز است می‌خواهم بگویم فلان وزیر حق ندارد با اراده شخصی... که صدای زنگ رئیس و فریاد دیگران اجازه صحبت

را از وی گرفت. طلوع مجدداً شروع به نطق کرد که «استدعا می‌کنم بگذارید ما حقایق قضایا را در مجلس عرض کنیم و تا این اندازه ما را خفه نکنید... صدای زنگ رئیس... در همین جلسه بود که فرخی در حال خروج از مجلس، اوضاع را شتر گاو پلنگ دانست.<sup>۳۰</sup> از مجلس هفتم به بعد دیگر هیچ اقلیتی به مجلس راه پیدا نکرد و پایه‌های دیکتاتوری رضاشاه تحکیم یافته بود. با این وجود از دوره هشتم به بعد، سلب مصونیت به عنوان راه‌حل نهایی شاه برای مخالفان در دستور کار مجلس قرار گرفت.

مصونیت پارلمانی، بخشی از مصونیت سیاسی است که به موجب آن بدون اطلاع و تصویب قوه مقننه هیچ‌کس حق تعرض به اعضای آن را ندارد و اگر نماینده‌ای در حین ارتکاب جرم دستگیر شود اجرای حکم درباره او باید با استحضار مجلس باشد.<sup>۳۱</sup> از این رو مصونیت پارلمانی مجموعه‌ای از تدابیر قانونی بود که نماینده مجلس را از تعقیب قضایی حفاظت می‌کرد. اصل مصونیت، هر چند با تساوی حقوق شهروندی منافات دارد اما به انگیزه دفاع از عملکردهای پارلمانی و ضرورت تداوم جلسات پارلمان پذیرفته شده است تا نمایندگان مجلس در برابر اعمال مستبدانه حکومت یا اقدامات قانونی مغرضانه از سوی قوه مجریه، محفوظ و مصون بمانند و از اعمال فشارهای خارجی و موانع حضور نماینده در مجلس پیش‌گیری شود. قانون اساسی مشروطه و آیین‌نامه داخلی مجلس نیز بر مصونیت پارلمانی صحه گذاشته بود. بدین منظور در اصل دوازدهم قانون مشروطه آمده است:

به هیچ‌عنوان و به هیچ دست‌آویز، کسی بدون اطلاع و تصویب مجلس شورای ملی، حق ندارد متعرض اعضای آن بشود. اگر احیاناً یکی از اعضاء علناً مرتکب جنحه و جنایتی شود و در حین ارتکاب جنایت دستگیر گردد، باز باید اجرای سیاست درباره او با استحضار مجلس باشد.

و نیز در آیین‌نامه داخلی مجلس شورای ملی آمده است:  
هیچ‌کس نمی‌تواند نماینده‌ای را به خاطر اظهار عقیده و ایراد نطق و یا ارائه رأی در مجلس شورای ملی یا در کمیسیون‌هایش تحت تعقیب قرار دهد.<sup>۳۲</sup>

علی‌رغم تصریح قانون اساسی به مصونیت پارلمانی، سلب مصونیت از نمایندگان از اواسط دوره رضاشاه به یک سنت سیاسی تبدیل شد. بنابراین اگر مخالفی بر اثر کوتاهی ارگان‌های حکومتی در انتخابات به مجلس راه می‌یافت یا در اطراف لویح و طرح‌های حکومت به بحث‌های انتقادی می‌پرداخت در اسرع وقت از او سلب مصونیت می‌شد. این امر سبب شد تا مشروح مذاکرات مجلس به حداقل ممکن برسد و بحث در لویح و طرح‌ها به «صحیح است»، «موافقم» معطوف شود و نمایندگان از ترس سلب مصونیت و حبس و قتل و... در تملق و

چاپلوسی حکومت بکوشند. از دوره هشتم تا پایان حکومت رضاشاه، میرزا اسماعیل قشقایی (صولت‌الدوله) از جهرم،<sup>۳۳</sup> محمدناصر قشقایی از آباءه،<sup>۳۴</sup> حاج سیدحبیب‌الله امین (امین‌التجار) از اصفهان،<sup>۳۵</sup> محمدتقی خان اسعد بختیاری (امیر جنگ) از دزفول،<sup>۳۶</sup> میرزا ابراهیم خان قوام‌شیرازی از بلوچستان،<sup>۳۷</sup> امیرحسین ایلخان ظفربختیار از نجف‌آباد،<sup>۳۸</sup> عبدالحسین تیمورتاش از نیشابور،<sup>۳۹</sup> سیدعلیرضا احتشام‌زاده گنج‌بخش از ساوه،<sup>۴۰</sup> حاج آقا اسماعیل عراقی از اراک،<sup>۴۱</sup> ابوالقاسم اعتصام‌زاده از بجنورد،<sup>۴۲</sup> علی وکیللی از تهران،<sup>۴۳</sup> و حاج آقارضا رفیع (قائم‌مقام‌الملک) از بندر پهلوی<sup>۴۴</sup> سلب مصونیت شدند که جرم بسیاری از آنها هرگز ثابت نشد. از این رو بعد از آن، مجلس یکسره و یک دست از وکلای رضاشاهی انباشته شد. بدین ترتیب تجربه‌های بیست ساله مشارکت سیاسی و فعالیت پارلمانی و غیرپارلمانی در قالب احزاب سیاسی پس از مشروطیت به بن‌بست رسید.<sup>۴۵</sup> سرانجام پرونده آنها به همراه دموکراسی، آزادی و مشروطه‌خواهی به مدت ۱۶ سال توسط رضاخان بسته شد.

### پانوشتها

- ۱- نجفی، موسی؛ حقانی، موسی، تاریخ تحولات سیاسی ایران، تهران، تاریخ معاصر ایران، ۱۳۸۸، ص ۴۴۷.
- ۲- دولت‌آبادی، یحیی، حیات یحیی، جلد ۲، تهران، انتشارات کتابخانه سقراط، بی‌تا، ص ۴۰۲.
- ۳- تقی‌زاده، سیدحسن، زندگی طوفانی (خاطرات)، به کوشش عزیزالله علیزاده، تهران، فردوس، ۱۳۷۹، ص ۲۳۳.
- ۴- سالور، مسعود و افشار، ایرج (به کوشش)، روزنامه خاطرات عین‌السلطنه میرزاسالور، ج ۱۰، تهران، اساطیر، ۱۳۷۷، صص ۷۶-۸۸.
- ۵- افشار، ایرج (به کوشش)، خاطرات سردار اسعد بختیاری، تهران، اساطیر، ۱۳۷۲، ص ۱۶۹.
- ۶- ملایی توانی، علیرضا، مجلس شورای ملی و تحکیم دیکتاتوری رضاشاه، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۱، ص ۲۱۲.
- ۷- ملایی توانی، علیرضا، همان، ص ۲۰۸.
- ۸- مشروح مذاکرات مجلس در دوره سیزدهم تقنینیه، جلسه ۱۱۵، ۲۵ شهریور ۱۳۲۰.
- ۹- مشروح مذاکرات مجلس در دوره هفتم تقنینیه، جلسه ۲۱، ۲۳ دی ۱۳۰۷.
- ۱۰- قاضی شکیب، نعمت‌الله، علل سقوط حکومت رضاشاه، انتشارات آثار، تهران، ۱۳۷۲، ص ۲.
- ۱۱- اسنادی از انتخابات مجلس شورای ملی در دوره پهلوی اول، اداره کل آرشیو اسناد و موزه دفتر ریاست جمهوری، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۷، صص ۴۵-۴۳.
- ۱۲- انتخابات مجلس پنجم به روایت اسناد، ج ۱، تهران، مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات، ۱۳۸۴، ص ۵.
- ۱۳- همان، صص ۶، ۷، ۱۱، ۳۶، ۴۲، ۴۶ و ۵۹.
- ۱۴- بنگرید به تدین، منصوره (به کوشش)، اسناد روحانیت و مجلس، ج ۴، تهران، کتابخانه موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، ۱۳۷۸، ص ۵ تا ۸۲.
- ۱۵- مشروح مذاکرات مجلس در دوره ششم تقنینیه، جلسات ۲ تا ۶، ۱۹ مرداد ۱۳۰۵ و ۲۷ مرداد ۱۳۰۵.
- ۱۶- بنگرید به مشروح مذاکرات مجلس در دوره ششم تقنینیه، جلسه ۵، ۲۵ مرداد ۱۳۰۵.
- ۱۷- همان.

- ۱۸- مشروح مذاکرات مجلس در دوره ششم تقنینیه، جلسه ۸، ۱۹ شهریور ۱۳۰۵.  
۱۹- همانجا.  
۲۰- متین دفتری، هدایت‌الله، خاطرات یک نخست‌وزیر، به کوشش باقر عاقلی، تهران، علمی، ۱۳۷۰، ص ۱۲۵.  
۲۱- قاضی شکیب، ص ۱۵۳.  
۲۲- دولت‌آبادی، یحیی، ص ۴۰۴.  
۲۳- حکمت، علی‌اصغر، سی سال خاطره از عصر فرخنده پهلوی، تهران، انتشارات وحید، ۱۳۵۵، ص ۲۵۴.  
۲۴- مکی، حسین، تاریخ بیست ساله ایران، ترجمه احمد تدین، ج ۴، نشر ناشر، تهران، ۱۳۶۲، ص ۲۵۸.  
۲۵- همان، صص ۱۵۸-۱۵۷.  
۲۶- مدرس و مجلس (نامه‌ها و اسناد)، مؤسسه پژوهش و مطالعات فرهنگی بنیاد مستضعفان، ۱۳۷۲، ص ۱۵۷.  
۲۷- تبریزنی، حسن، علل ناپایداری احزاب سیاسی در ایران، بی‌جا، بین‌الملل، ۱۳۷۱، ص ۸۲.  
۲۸- سالور، مسعود و افشار، ایرج، صص ۸۹-۷۶.  
۲۹- مکی، حسین، تاریخ بیست ساله ایران، ج ۵، تهران، امیرکبیر، ص ۱۷۳.  
۳۰- مشروح مذاکرات مجلس در دوره هفتم تقنینیه، جلسه ۱۰۱، ۲۷ بهمن ۱۳۰۷.  
۳۱- شیخ‌الاسلامی، محسن، مصونیت پارلمانی در ایران؛ قبل و بعد از انقلاب اسلامی، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۴، ج ۱، ص ۲۲.  
۳۲- وفادار، علی، حقوق اساسی و تحولات سیاسی ایران، تهران، شروین، ۱۳۷۲، ص ۳۰۴.  
۳۳- مشروح مذاکرات مجلس در دوره هشتم تقنینیه، جلسه ۱۰۲، ۸ شهریور ۱۳۱۱.  
۳۴- همانجا.  
۳۵- مشروح مذاکرات مجلس در دوره نهم تقنینیه، جلسه ۱۵، ۳۱ اردیبهشت ۱۳۱۲.  
۳۶- همان، جلسه ۵۴، ۱۹ آذر ۱۳۱۲.  
۳۷- همانجا.  
۳۸- همانجا.  
۳۹- مشروح مذاکرات مجلس در دوره نهم تقنینیه، جلسه ۳، ۲۴ فروردین ۱۳۱۲.  
۴۰- مشروح مذاکرات مجلس در دوره دهم تقنینیه، جلسه ۵۵، ۱۳ اردیبهشت ۱۳۱۵.  
۴۱- مشروح مذاکرات مجلس در دوره یازدهم تقنینیه، جلسه ۳۰، ۱۹ اسفند ۱۳۱۶.  
۴۲- مشروح مذاکرات مجلس در دوره یازدهم تقنینیه، جلسه ۵۱، ۱۶ مرداد ۱۳۱۷.  
۴۳- مشروح مذاکرات مجلس در دوره دوازدهم تقنینیه، جلسه ۲۵، ۲۱ اسفند ۱۳۱۸.  
۴۴- مشروح مذاکرات مجلس در دوره دوازدهم تقنینیه، جلسه ۳۸، ۲۲ اردیبهشت ۱۳۱۹.  
۴۵- نوذری، عزت‌الله، تاریخ احزاب سیاسی در ایران، شیراز، نوید شیراز، ۱۳۸۰، ص ۱۶.